



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 32. No 4. Winter 2025

Received date: 2024.09.05

Acceptance date: 2025.02.24



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

Geopolitics of Iranophobia: Analysis of the doctrine of divine intervention and five pillars strategy of the Israel in the face of the nuclear program and Iran's regional influence

Jalal Dorakhsheh¹, Mohamad Mahdi Golshahi²



Abstract

Iranophobia is a strategy based on which Iran is depicted as a major threat in the region and a disturbing variable and A riotous actor in the international system, which is trying to obtain nuclear weapons and develop the axis of resistance, trying to destroy Israel and disrupt the order. existing in the international system. In this regard, the Israeli regime focuses on the strategy of Iran-phobia as a legitimizing factor for its military-political actions, focusing on two strategies of divine intervention based on the removal of Iran's nuclear capability and the five-pillar strategy, which includes the political axis, economy, the technology of secret diplomacy and subversion of the ruling political system in Iran, has dealt with the axis of resistance and Iran's nuclear program. The purpose of the present study is to examine the various aspects of the five-pillar strategy and the doctrine of divine intervention of Israel in facing Iran's policies. Therefore, by focusing on the mentioned strategy as a conceptual framework, using the method of qualitative content analysis, through the examination of more than thirty reliable sources in this field, it answers the question How has Israel operationalized its core strategy known as five pillars by shaping the project of Iran-phobia? What are the dimensions of the said strategy and how has it been effective in shaping the new equations of the Middle East? The results of the research indicate that the purpose of the said strategy is to shape the It is a security-economic network against Iran and the axis of resistance that this network is with the development of the Abraham Accords is formation.

Keywords: Iranophobia, five-pillar strategy, doctrine of divine intervention, Israel, Iran's nuclear program.

1 - Department of Political Science, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadegh (A.S) University, Tehran, Iran.

2 - PhD student in Public Policy, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۴، پیاپی (۱۱۸)، زمستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: پژوهشی

ژئوپلیتیک ایران هراسی: واکاوی دکترین مداخله الهی و استراتژی پنج ستون اسرائیل در مواجهه با برنامه هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای ایران

جلال درخشه^۱، محمد مهدی گلشاهی^۲



چکیده

ایران هراسی راهبردی است که بر اساس آن ایران به عنوان تهدیدی بزرگ در منطقه و یک متغیر مزاحم و بازیگر آشوب‌ساز در نظام بین‌الملل تصویر می‌شود که در تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای و توسعه محور مقاومت سعی در نابودی اسرائیل و برهم زدن نظم موجود در نظام بین‌المللی دارد. در این راستا رژیم اسرائیل با محور قرار دادن، راهبرد ایران هراسی به عنوان عامل مشروعیت‌بخش به کنش‌های نظامی-سیاسی خود با محور قرار دادن دو راهبرد مداخله الهی مبنی بر حذف توانایی هسته‌ای ایران و استراتژی پنج ستون که شامل پنج محور سیاسی، اقتصادی، فناوری دیپلماسی مخفی و براندازی نظام سیاسی حاکم در ایران می‌شود، به مواجهه با محور مقاومت و برنامه هسته‌ای ایران پرداخته است. هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد مختلف استراتژی پنج ستون و دکترین مداخله الهی اسرائیل در مواجهه با سیاست‌های ایران است. بنابراین با محور قرار دادن استراتژی ذکر شده به عنوان چارچوب مفهومی با استفاده از روش تحلیل محتوا کیفی از خلال بررسی بیش از سی منبع معتبر این حوزه به این پرسش پاسخ می‌دهد که اسرائیل چگونه با شکل‌دهی به پروژه ایران هراسی، استراتژی محوری خود موسوم به پنج ستون را عملیاتی کرده است؟ استراتژی مذکور چه ابعادی دارد و چگونه در شکل‌دهی به معادلات جدید خاورمیانه موثر واقع شده است؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که غایت استراتژی مذکور شکل‌دهی به یک شبکه امنیتی-اقتصادی علیه ایران و محور مقاومت است که این شبکه با توسعه پیمان ابراهیم در حال شکل‌گیری است.

واژگان کلیدی: ایران هراسی، استراتژی پنج ستون، دکترین مداخله الهی، اسرائیل، برنامه هسته‌ای ایران.

j.dorakhshah@yahoo.com

۱- استاد تمام علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Mgolshahi73@gmail.com

مقدمه

رژیم اسرائیل از بدو تحمیل به خاورمیانه با دو چالش اساسی مواجه بوده است. ابتدا چالش عمق استراتژیک که ناشی از کوچک بودن حریم اشغالی این رژیم بود و دوم مواجهه با کشورهای عربی هم‌مرز و تازه تاسیس که با جمعیت عمدتاً مسلمان در یک چالش بنیادین در چگونگی مواجهه با این مهمان ناخوانده قرار گرفته بودند. این رژیم ابتدا در راستای افزایش عمق استراتژیک خود با اتکا به برتری نظامی و حمایت قدرت‌های استعماری چون آمریکا، انگلیس و فرانسه به ترتیب در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ چهار جنگ را با کشورهای عرب خاورمیانه با محوریت لبنان، مصر و سوریه در دستور کار قرار داد که حاصل این جنگ‌ها تسلط اسرائیل بر بخش‌هایی از سوریه شامل بلندی‌های جولان، بخشی از صحرای سینا، نوار غزه و همچنین کرانه باختری رود اردن بود که طبق قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل به اسرائیل اضافه شدند و علاوه بر گسترش مرزهای اسرائیل در خاورمیانه، تسلط این رژیم بر منابع حیاتی آب خاورمیانه را فراهم آوردند (رهبر و گلشاهی، ۱۳۹۹: ۶۰۷-۶۱۱). اسرائیل سپس با محور قرار دادن دو استراتژی محوری یعنی دکترین مداخله الهی و گزینه سامسون^۱، ابتدا توان اتمی خود را در قالب توسعه برنامه نظامی تا ۸۰ کلاهک فعال توسعه داد و هم‌زمان اقدام به حذف نیروگاه‌های اتمی سایر کشورها کرد و با محور قرار دادن دکترین بن‌گورین مبتنی بر اتحاد پیرامونی با عادی‌سازی روابط با ترکیه، ایران عصر پهلوی و کردستان عراق سعی در ایجاد موازنه سیاسی در مواجهه با کشورهای عربی پیرامون خود داشت. این روند تا قرارداد موسوم به صلح کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ بین مصر و اسرائیل و تا پیش از انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ تداوم داشت اما پس از تغییر رویکرد ایران نسبت به اسرائیل در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی و همچنین نیاز اسرائیل به شکل‌دهی به یک دشمن جدید برای ادامه روند توسعه مرزهای سیاسی در خاورمیانه، زمینه شکل‌گیری پروژه جدیدی با عنوان گفتمان ایران هراسی در دستور کار سیاست خارجی اسرائیل قرار گرفت. از این رو اسرائیل با همکاری آمریکا در راستای طرح خاورمیانه جدید تمامی فعالیت‌های ایران در عرصه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در چارچوب بحران منطقه‌ای و جهانی قالب‌بندی کردند و ایران را به‌عنوان محور شرارت و معضل منطقه‌ای بازنمایی کردند. این روند با گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران ذیل محور مقاومت در مواجهه با اسرائیل و همچنین توسعه برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۶ به

این سو، شکل دیگری به خود گرفت که در چارچوب استراتژی بلند مدت شکل‌دهی به خاورمیانه جدید موسوم پنج ستون قابل توضیح است (Jeremy Bob & Evyatar, 2023: 37-60). در این راستا بازوی امنیتی اسرائیل، موساد با ابتکار رئیس وقت خود مئیر داگان در ۳۱ آگوست ۲۰۰۷ با ارائه استراتژی پنج ستون^۱ راهکارهای مواجهه با برنامه هسته‌ای و حضور منطقه‌ای ایران را در همراهی با ایالات متحده و با محوریت سیاست طرح‌ریزی کرد. برنامه مذکور شامل پنج ستون سیاسی گسترش ایران هراسی و به چالش کشیدن برنامه‌ها و اهداف ایران در منطقه خاورمیانه، تمرکز بر ائتلاف شیعه و سنی و به چالش کشیدن تصویر ژئوپلیتیکی ایران در رسانه‌های جهان با توسعه شبکه‌های فارسی زبان و ائتلاف‌سازی منطقه‌ای جهت همکاری کشورهای عربی در حمله هوایی به تاسیسات هسته‌ای و نظامی ایران می‌باشد. ستون اقتصادی شامل تحریم‌های همه جانبه اقتصادی به‌ویژه در حوزه صنایع پتروشیمی فروش نفت و خرید بنزین و جایگزینی کالاهای اسرائیلی با ایرانی در منطقه در جهت حذف صنعت ایران از بازارهای منطقه؛ ستون دیپلماسی مخفی شامل اقداماتی چون ترور و خرابکاری سایبری، ستون فناوری شامل تمرکز بر تحریم فناوری به‌ویژه برنامه موشکی ایران و در نهایت ستون پنجم این برنامه با عنوان براندازی رژیم سیاسی که شامل سرمایه‌گذاری بر اعتراض‌های سیاسی و مسائل قومیتی در ایران در جهت بازگشت به نقطه صفر است که به معنای گذر به شرایط پیش از شکل‌گیری انقلاب اسلامی است (Guardian, 2007). این برنامه تا سال ۲۰۱۷ با محوریت پنج ستون ذکر شده، پیگیری می‌شد اما پس از شکست داعش در سال ۲۰۱۷ و به چالش کشیده شدن عمق استراتژیک اسرائیل توسط شبکه مقاومت، بحث جانمایی اقتصادی اسرائیل از طریق راه‌اندازی کریدور غربی مدیترانه^۲ با اتکا به ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران که همان پیمان ابراهیم^۳ است، در دستور کار موساد قرار گرفت. بنابراین توافق سیاسی، اقتصادی و امنیتی که در سپتامبر ۲۰۲۰ با عنوان پیمان ابراهیم محقق شد، همان هدف نهایی استراتژی پنج ستون مئیر داگان بوده که از سال ۲۰۰۷ توسط سیستم امنیتی اسرائیل دنبال شده تا در چارچوب آن با افزایش نفوذ امنیتی اسرائیل و آمریکا در منطقه با شکل‌دهی به نیروی نظامی و سامانه‌های امنیتی کشورهای عربی از نفوذ روزافزون ایران جلوگیری شود و هم با جانمایی اسرائیل به‌عنوان قطب اقتصادی از طریق توسعه خط کریدوری شرق به غرب مسئله فلسطین

1 - Five pillars

2 - Arab-Mediterranean Corridor

3 - Abraham Accords

به فراموشی سپرده شود؛ چنان‌که تنها چند ماه پس از سپتامبر ۲۰۲۰ زمان انعقاد قرارداد اولیه صلح ابراهیم فروش سالانه تسلیحات اسرائیل به رکورد بیش از ۱۱ میلیارد دلار افزایش یافت که تنها دو کشور کوچک همسایه ایران، امارات و بحرین دو میلیارد دلار از کل این انتقال را به خود اختصاص دادند (Jeremy Bob & Evyatar, 2023: 154-171). بنابراین سوال اصلی پژوهش حاضر آن است که اسرائیل چگونه با اتکا به راهبرد ایران هراسی، استراتژی موسوم به پنج ستون را عملیاتی کرده است؟ سوالات فرعی عبارت هستند از الف. این استراتژی از چه ابعاد و مؤلفه‌هایی برخوردار است و در طول بیش از دو دهه چه تغییراتی داشته است؟ ب. شکل‌گیری پیمان ابراهیم و توسعه آن چگونه ژئوپلیتیک خاورمیانه را تغییر خواهد داد؟ این پژوهش فرضیه آزما نیست و بر نظام منطقی سوال‌ها استوار است.

۱. پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه پژوهش باید اشاره کرد که با توجه به موضوع پژوهش با دو دسته از منابع مواجهه هستیم: منابع دسته اول. پیرامون ایران هراسی و جنگ شناختی که می‌توان به کتاب بازنمایی ایران و اسلام در هالیوود نوشته عبدالله بیچرانلو، پایان‌نامه رضا فرخی با عنوان روند ایران هراسی در محصولات تصویری رسانه‌های غربی، کتاب عصر سی‌ان‌ان و هالیوود نوشته محمد سمتی و حسین بشیریه، کتاب برخیز و اول تو بکش^۱ رونن برگمن^۲؛ مقاله کاربرد مدل مدیریت ادراک در چین^۳ نوشته کالاماری^۴ و ریورن که کامل‌ترین مدل جنگ شناختی را با فرایندهایی دستکاری باورهای پیشین، شرطی‌سازی، بهره‌برداری از حقیقت و بازخورد ارائه داده‌اند و کتاب ایران هراسی منطق نگرانی اسرائیل نسبت به ایران نوشته هاگایی رام^۵ در زمینه چگونگی شکل‌گیری نگرش و عملکرد اسرائیل نسبت به ایران و همچنین بحران‌سازی اسرائیل علیه ایران در زمان دولت نهم و دهم در ایران اشاره کرد. منابع دسته دوم. منابع پیرامون استراتژی‌های اسرائیل در مواجهه با ایران با محوریت استراتژی پنج ستون مؤثر داگان است که در این حوزه شناخته شده‌ترین منبع کتاب هدف تهران^۶ نوشته دو سردبیر اسبق جروزالم پست یونان جرمی باب^۷ و ایلان اویاتار^۸ در سال ۲۰۲۳ است که ابعاد مختلف برنامه دفاعی اسرائیل

1 - Rise and kill first: The Secret History of Israel's Targeted

2 - Ronen Bergman

3 - China Use Perception Management

4 - Callamari

5 - Haggai Ram

6 - Target Tehran

7 - Yona Jeremy Bob

8 - Ilan Evyatar

در مواجهه با ایران را از ابتدای شکل‌گیری استراتژی مذکور در سال ۲۰۰۷ تا شکل‌گیری پیمان ابراهیم را توضیح داده است. از دیگر آثار این حوزه می‌توان به دو کتاب آوی ملامد^۱ مقام سابق ارشد موساد در حوزه کشورهای عربی با عنوان *Inside the Middle East* در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۲۲ اشاره کرد که با بررسی شرایط خاورمیانه و استراتژی دفاعی ایران و اسرائیل و نقش‌آفرینی قدرت‌های نوظهور چین و هند در منطقه، آینده خاورمیانه را در جدال ایران و کشورهای پیمان ابراهیم با محوریت اسرائیل تصویر می‌کند. در این راستا پژوهش حاضر، نخستین اثری است که با استناد به منابع محوری موساد به بررسی دکترین مداخله الهی و استراتژی پنج ستون اسرائیل می‌پردازد و ابعاد مختلف تقابل ایران و اسرائیل در شکل‌دهی به خاورمیانه جدید را در ذیل این راهبرد محوریت ایران هراسی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. چارچوب مفهومی

این پژوهش در ذیل استراتژی پنج ستون اسرائیل به بررسی تعاملات ایران و اسرائیل می‌پردازد و مفهوم ایران هراسی و جنگ شناختی را در ستون اول استراتژی مذکور یعنی رویکرد سیاسی بررسی می‌کند:

۱.۲. دکترین مداخله الهی^۲: استراتژی پنج ستون^۳ مئیر داگان^۴

آنچه در سیاست دفاعی اسرائیل از آن به عنوان دکترین مداخله الهی^۵ یاد می‌شود، در واقع برنامه محوری موساد برای حفظ سیطره اتمی سرزمین‌های مقدس (اورشلیم) بر کل خاورمیانه است. استراتژی‌ای که از آن با عنوان *Zero risk* یا *No matter the cost* یاد می‌شود و در این راستا اسرائیل باید هر کشور غیر متحدی در منطقه خاورمیانه که توان داشتن سلاح هسته‌ای را دارد، هدف بگیرد تا توازن هسته‌ای ایجاد شده به نفع این سرزمین مقدس را برهم نزند. کارشناسان حوزه امنیت بر این باور هستند که از آنجایی که اسرائیل فاقد عمق استراتژیک و وسعت کم است، توسعه تسلیحات هسته‌ای و ترور سران نظامی و سیاسی کشورهای غیر همسو، هسته اصلی بازدارندگی استراتژیک این رژیم به حساب می‌آید، زیرا این پیام را به دشمنان می‌دهد که در صورت تهدید وجودی، اسرائیل مایل به عبور از آستانه هسته‌ای یا حذف نیروهای کلیدی کشورهای متخاصم است. این سیاست که دکترین مداخله الهی^۶ نامیده می‌شود برحق قطعی اسرائیل برای به تاخیر انداختن و نابودی برنامه نظامی هسته‌ای کشورهای

1 - Avi Melamed

2 - Divine Intervention

3 - Five pillars

4 - Meir Dagan

5 - Divine Intervention

6 - Divine Intervention

غیر همسو در منطقه تاکید دارد تا طبق گزینه سامسون^۱ اسرائیل به عنوان تنها قدرت هسته‌ای نظامی منطقه غرب آسیا، سیطره امنیتی خود بر این منطقه را حفظ کند. اما سوال اینجاست چرا اسرائیل با وجود در پیش گرفتن دو استراتژی مداخله الهی و گزینه سامسون و دکترین محیط پیرامونی^۲ موسوم به دکترین بن گوریون که بر شبکه‌سازی منطقه‌ای علیه ایران با اتکا به کشورهای عربی تاکید دارد، استراتژی مجزایی را نسبت به ایران در پیش گرفته است؟ در پاسخ باید گفت که شکل‌گیری استراتژی پنج ستون^۳ را می‌توان نتیجه دو تحول بنیادین در خاورمیانه دانست. تحول نخست شکست نظامی اسرائیل در دو بازه پیاپی سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ از محور مقاومت به ترتیب (حزب‌الله لبنان) و (حماس در غزه) است که نه تنها با رقم زدن اولین شکست‌های رسمی ارتش کلاسیک اسرائیل در منطقه از شبه نظامیان محور مقاومت و نیروهای نظامی کشورهای عربی همراه بود، بلکه محل منازعه نظامی اسرائیل و محور مقاومت را از داخل خاک کشورهای عربی به داخل سرزمین اشغالی تغییر داده بود. این تحول بنیادین از سویی ارتش اسرائیل را در داخل مرزهای خود مشغول می‌کرد و از سوی دیگر این فرصت را به محور مقاومت می‌داد که با گسترش شبکه مقاومت در اطراف مرزهای اسرائیل کنش‌های نظامی اسرائیل را در داخل سرزمین‌های اشغالی محدود کند و از توسعه‌طلبی این رژیم در خاورمیانه جلوگیری کند. تحول دوم را می‌توان توسعه برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۶ به این سو در نظر گرفت. در این راستا ایران با شکل‌دهی و توسعه نیروگاه اتمی نطنز این توانایی را به دست آورد تا در صورت لزوم با دستیابی به سلاح هسته‌ای، سیطره اتمی شکل گرفته در خاورمیانه را به نفع خود تغییر دهد. تحولات ذکر شده اسرائیل را با این واقعیت مواجه ساخت که نمی‌تواند به تنهایی و تنها از راه بمباران هوایی به برنامه‌های نظامی-امنیتی ایران پایان دهد. بنابراین نیازمند یک استراتژی طولانی مدت و تقسیم کار اطلاعاتی با کشورهای منطقه است که در قالب یک برنامه جدید و استراتژی چند جانبه قابل تصور است. برنامه‌ای که در سال ۲۰۰۷ توسط مئیر داگان رئیس وقت موساد با عنوان استراتژی پنج ستون

۱- گزینه Samson (سامسون یا شمشون به عبری) اشاره به قهرمان قوم بنی‌اسرائیل در عهد عتیق دارد که زمان سلطه فلسطینی‌ها در سرزمین‌های مقدس مقابل آنها ایستادگی کرد و هزاران نفر از آنها را در معبد غزه یعنی جایی که در آن زندانی بود کشت، این استراتژی بر آن است که اسرائیل باید نداشتن عمق استراتژیک و کمبود زمین را با توسعه گزینه هسته‌ای پوشش دهد و به دشمنان اسرائیل این پیام را دهد که در صورت حمله جدی به اسرائیل با سلاح هسته‌ای مورد حمله قرار خواهند داد.

2 - Alliance of the periphery

3 - Five pillars

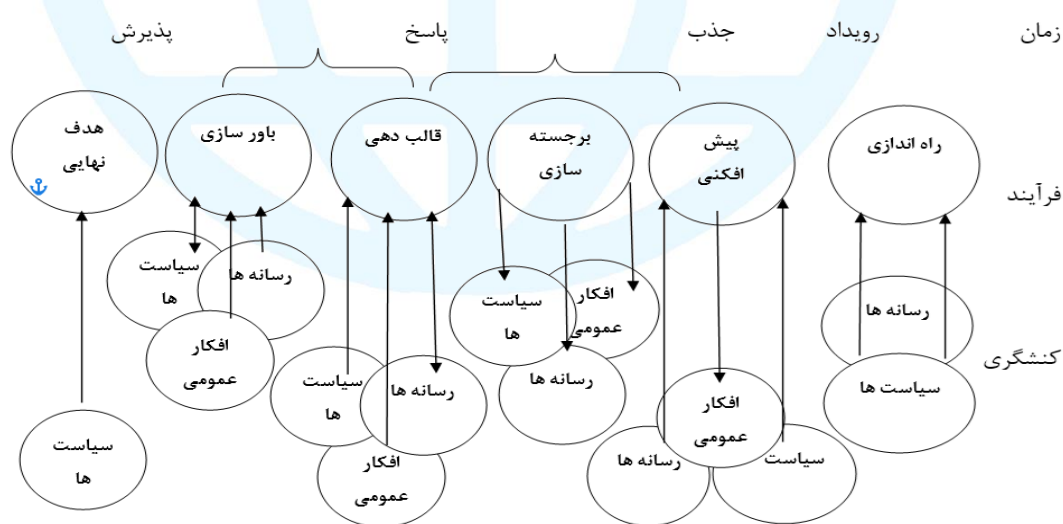
مطرح شد و با هماهنگی مستقیم آمریکا با محوریت ویلیام جوزف برنز دیپلمات شناخته شده آمریکایی و رئیس فعلی سیا^۱ با امضای تفاهم‌نامه‌ای ۳۰ میلیارد دلاری در قالب کمک امنیتی به اسرائیل از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ تضمین شد و در جلسه مشترک مسئولین اطلاعاتی-نظامی اسرائیل و آمریکا در ۱۷ آگوست (۲۰۰۷) در تل‌آویو جنبه عملیاتی پیدا کرد. استراتژی مذکور در ابتدا بر حفظ برتری نظامی-اطلاعاتی اسرائیل در منطقه در اصطلاح (IQME)^۲ تاکید داشت اما از سال ۲۰۱۷ به این سو با محور شدن رقابت کریدوری در غرب آسیا، ابعاد تازه‌ای در ذیل کریدور انتقال کالا پیدا کرد که در قالب شکل‌دهی به یک ائتلاف اقتصادی-نظامی که همان پیمان ابراهیم است، در حال پیگیری است؛ پس شکل‌گیری و تداوم پیمان ابراهیم هدف نهایی استراتژی پنج ستون است. محورهای اساسی استراتژی پنج ستون عبارت هستند از:

۱.۱.۲ رویکرد سیاسی^۳: که با محوریت پروژه ایران هراسی و جنگ شناختی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل توضیح است، اشاره‌ای است به بی‌اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض و ترس یا بیزاری به ایرانیان به‌عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی و مذهبی پذیرفته شده در جهان اطلاق می‌شود. این نوع نگرش را نخست باید در بعد معرفت‌شناختی ذیل نگرش شرق‌شناسی و نوع نگرش غرب به دیگری بررسی کرد، تفکری که به‌ویژه توسط نئوکان‌ها و جمهوری‌خواهان حمایت می‌شود که جهان را درگیر یک جنگ تمدنی تصویر می‌کنند و برآنند سایر تمدن‌ها باید به نفع دموکراسی غربی هزینه شوند (الهی، ۱۳۹۴: ۴۲). در بعد ثانوی، از منظر سیاسی ایران هراسی را می‌توان به‌عنوان راهبردی تلقی کرد که اسرائیل برای مواجهه با گفتمان انقلاب اسلامی پس از پیمان صلح کمپ دیوید در نظر گرفت تا با جایگزینی اتحاد عرفات - خمینی و بعدها محور مقاومت به جای مسئله فلسطین از محاصره اعراب خارج شود (Jeremy Bob & Evyatar, 2023: 33-52) و در نهایت در بعد عملیاتی، ایران هراسی را باید پروژه‌ای در راستای گفتمان اسلام هراسی در نظر گرفت که پس از ۱۱ سپتامبر به بهانه مبارزه با فاشیسم اسلامی یا تروریست آن گونه که در سخنان سیاستمداران آمریکایی با ترکیب‌بندی‌هایی چون جنگ صلیبی علیه شر^۴ یا محور شرارت مشهود است، برای مشروعیت‌بخشی به کنش‌های سیاسی-اقتصادی محور عبری-غربی در مواجهه با ایران دنبال می‌شود (فرخی، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۷).

-
- 1 - Central Intelligence Agency
 - 2 - Israel's Qualitative Military Edge
 - 3 - Political Approach
 - 4 - Crusade Against Evil

۴۲ و سولومون و ارلیک، ۱۳۹۴: ۸۰-۱۰۲). در این راستا باید ایران هراسی را استراتژی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای جهت افکار عمومی نسبت به ایران در نظر گرفت که به عنوان هسته جنگ شناختی قابل بررسی است و شامل محورهای زیر می شود:

۱. القای دسترسی ایران به سلاح های هسته ای؛ ۲. حمایت ایران از تروریسم؛ ۳. نقض حقوق بشر در ایران؛ ۴. القای تهاجمی بودن فناوری های دفاعی ایران؛ ۵. دخالت ایران در امور کشورها؛ ۶. اسلامی و افراطی بودن نظام سیاسی ایران؛ ۷. القای مخالفت ایران با صلح و ثبات منطقه ای (صادقی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۹۱-۹۲). بر این اساس جنگ شناختی عبارت است از دستکاری هدفمند درک انسان به منظور ایجاد عدم اطمینان یا قالب بندی مشخص معنایی نسبت به یک موضوع در یک فرد، گروه و سازمان در چهار حوزه محوری سازمانی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی صورت می گیرد. با اتکا به تعریف بیان شده می توان جنگ شناختی را معادل مدیریت ادراک، قالب بندی ذهن و ساخت حقیقت در نظر گرفت (مقدم فر و آهویی، ۱۴۰۰: ۱۶) که شامل پنج مرحله راه اندازی، پیش افکنی، برجسته سازی، قالب دهی و بارورسازی رخ می شود، کنشگران اصلی این حوزه نیز رسانه ها، سیاستمداران و افکار عمومی در نظر گرفته می شوند (Siegel, 2005). این فرایند به شکل زیر قابل تصور است:



(Callamari & Reveron, 2003)

۲.۱.۲. دیپلماسی مخفی و اقدامات پنهانی^۱: اقدامات مخفی اسرائیل به سه دسته اصلی شامل حملات سایبری، تروردانشمندان هسته‌ای و فرماندهان نظامی و سرقت اطلاعاتی تقسیم‌بندی می‌شود (Jeremy Bob & Evyatar, 2023: 201-230).

۳.۱.۲. مقابله با توسعه برنامه هسته‌ای ایران^۲: جلوگیری از ورود فناوری و تجهیزات آزمایشگاهی بخش دیگر راهبرد داگان است. این امر ابتدا با حذف اشخاص، به عبارت دقیق‌تر حذف دانش صورت می‌گیرد و سپس با جلوگیری از ورود فناوری زمینه ضعف توان دفاعی را در پی خواهد داشت.

۴.۱.۲. رویکرد اقتصادی (تحریم)^۳: یکی از ارکان محوری سیاست داگان در ایران، تحت فشار قرار دادن ایران برای تغییر در راهبرد منطقه‌ای و برنامه هسته‌ای با استفاده از تحریم مالی و بانکی بود، قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ علیه ایران به دلیل برنامه هسته‌ای ایران تنها بخشی از راهبردهای اقتصادی علیه حضور منطقه‌ای و توسعه برنامه هسته‌ای ایران بودند تا با افزایش فشار اقتصادی بر مردم از سرمایه‌گذاری بیش از پیش ایران بر توسعه محور مقاومت و صنعت هسته‌ای جلوگیری کنند.

۵.۱.۲. اجبار تغییر رژیم^۴: تغییر رژیم و بازگشت به وضعیت صفر با استفاده از سرمایه‌گذاری بر اختلافات سیاسی در ایران همچون حمایت از تحریم ایران به خاطر مواجهه با اعتراض‌های سیاسی، امنیتی کردن جنبش‌های مدنی از طریق بازنمایی در رسانه‌های جهانی، شکل‌دهی به جنبش‌های قومیتی (کرد، بلوچ و آذری‌ها) در جهت تجزیه یا تغییر رژیم در ایران بخش‌هایی استراتژی پنج ستون را تشکیل می‌دهد (Guardian, 2007). بنابراین چارچوب مفهومی پژوهش به شکل زیر قابل تصور است:

-
- 1 - Covert Measures
 - 2 - Counterproliferation
 - 3 - Sanctions
 - 4 - Force Regime Change

شکل ۲. چارچوب مفهومی پژوهش



۳. روش پژوهش

در مورد نکته سوم یعنی روش پژوهش، باید اشاره کرد که روش شناسی پژوهش کیفی است که در این راستا گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی-کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته است. در این راستا لازم است اشاره شود که روش تحلیل محتوا در دو نوع کلی کمی و کیفی (استقرایی و قیاسی) دسته‌بندی می‌شود (باردن، ۱۳۷۴: ۴۲). پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی فیلیپ مایرینگ در ذیل رویکرد استقرایی و در سه مرحله صورت گرفته است که در مرحله اول گردآوری اطلاعات و سازماندهی اطلاعات صورت می‌گیرد، مرحله سازماندهی اطلاعات در این شیوه از کدگذاری اطلاعات آغاز می‌شود. محقق با توجه به محتوای آشکار و یا پنهان مستتر در هر واحد، مفاهیم گویایی را به آن اطلاق می‌کند. این مرحله که مرحله کدگذاری اولیه است، تغییرناپذیر نبوده و با گذشت زمان و با مطالعه بیشتر می‌توان به اصلاح مفاهیم و مضمون‌های استخراج شده اقدام می‌شود (Patton, 1990: 456). سپس در مرحله دوم مقوله‌بندی صورت می‌گیرد یعنی به رویکرد استقوامی نزدیک می‌شود و از اصطلاحات و عناوینی که خود مردم برای نامیدن جهانشان از آنها استفاده می‌کنند، بهره می‌برد و در مرحله آخر الگوسازی و گزارش پژوهش است که مرحله محوری تحلیل محتوای کیفی است (Elo & Kyngas, 2007: 109-111).

۴. یافته‌ها

پژوهش حاضر در پنج محور ذکر شده، استراتژی پنج ستون را مورد بررسی می‌دهد و پس از بررسی راهبردهای ایران در مواجهه با این استراتژی به شرح تاثیر پیمان ابراهیم بر معادلات خاورمیانه به عنوان هدف نهایی، استراتژی مذکور می‌پردازد:

۱.۴. ستون اول رویکرد سیاسی: ایران هراسی و چالش مواجهه با صدور انقلاب و محور

مقاومت

ستون اول برنامه پنج ستون چنان‌که اشاره شد، همان پروژه ایران هراسی که پژوهش حاضر آن را در بعد رسانه و چالش صدور انقلاب با محوریت برنامه شش ستونی ایران مورد بررسی قرار می‌دهد، می‌باشد:

۱.۱.۴. ایران هراسی و رسانه

در مورد نقش رسانه‌ها در ایران هراسی باید اشاره کرد که بازنمایی^۱ حوادث سیاسی توسط رسانه‌ها همواره بار ایدئولوژیک دارد، چرا که رسانه متکی به زبان و معنا است. بنابراین یک رسانه هیچ‌گاه ابزاری خنثی به حساب نمی‌آید و سعی بر توجیه یا نقد یک گفتمان دارد (رهبر و گلشاهی، ۱۴۰۱: ۴۳۸-۴۳۹). این فرایند یعنی بازنمایی هدفمند خبر و رویدادهای سیاسی با عنوان اثر مرکب شناخته می‌شود که در ذیل مدیریت ادراک به عنوان «دستکاری هدفمند درک انسان با توجه زمینه‌های فرهنگی به منظور ایجاد درک یا عدم اطمینان از درک در یک فرد» به عنوان ابزار مهمی در شکل‌دهی به محیط‌های سیاسی-نظامی شناخته می‌شود. چنان‌که تافلر در طول جنگ خلیج فارس از اثر مرکب^۲ به عنوان تکنیکی اثربخش و مزیتی استراتژیک در رسانه به کار گرفته شد، نام می‌برد (Toffler, 1994: 194). در اینجا اثر مرکب عبارت است از شکل‌گیری ادراکات از طریق یک «زمینه» که از مؤلفه‌های مختلفی از جمله فرهنگ، فرایندهای اجتماعی شدن و تأثیرات محیط مادی و فیزیکی تاثیر می‌پذیرد. پس درک یک خبر و چگونگی تحلیل آن فرایندی اساساً تعاملی است که صرفاً یک حالت نهایی مثبت یا منفی ایجاد نمی‌کند، بلکه دائماً مورد مذاکره قرار می‌گیرد. در این معنی رابطه بین عمل و ادراک کاملاً تعاملی است و ممکن است توسط دولت‌ها برای توجیه عمل سیاسی استفاده شود (Waterman, 2017: 91-95). بنابراین شکل‌گیری شبکه‌های مختلف فارسی زبان و تولیدات متنوع هالیوودی چون آرگو

1 - Representation

2 - Compound effect

(۲۰۱۲)، بدون دخترم هرگز (۱۹۹۱)، سنگسار ثریا (۱۹۹۴)، سپتامبرهای شیراز (۲۰۱۵)، کافر (۲۰۱۹)^۱، عنکبوت مقدس (۲۰۲۲) و مستند ایرانیوم (۲۰۱۱) که هر کدام بخشی از برنامه‌های سیاسی و امنیتی ایران یا نوع نگرش قشر مذهبی ایران به مسائل را نشان می‌دهند که در واقع نوعی پیش‌افکنی در جهت مشروعیت‌بخشی به کنش‌هایی چون تحریم، حمله نظامی، بازجویی گزینشی، بازداشت، آزار و اذیت، ظن بر عامل تروریستی بودن اتباع ایرانی در کشورهای اروپایی است (گلشاهی، ۱۴۰۳: ۱۱۶)؛ روندی که پیش از این نسبت به مسلمانان اروپا و آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر در پیش گرفته شد و نتایج آن حاکی از تاثیرپذیری و اقبال افکار عمومی غربی از مواجهه سخت با مسلمانان بوده است (Acram, 2002: 61-118).

۲.۱.۴. راهبرد شش ستونی جمهوری اسلامی ایران

راهبرد شش ستونی ایران برای صدور انقلاب اسلامی و دستیابی به هژمونی منطقه‌ای در قالب (بیمه‌نامه متقابل)^۲ قابل توضیح است. در این راستا هر ستون به‌عنوان عاملی برای محافظت از دیگری طراحی شده که محور مقاومت و ایران را به هم وابسته کرده است (Melamed, 2022: 637-681). این شش ستون با محوریت سه بعد برنامه موشکی، چانه‌زنی هسته و شبکه مستشاری عبارت هستند از:

۱.۲.۱.۴. روابط بین‌الملل و دیپلماسی

توسعه روابط دیپلماتیک، تجاری و نظامی با سایر کشورها ذیل منافع متقابل ملت ایران و کشورهای مقابل.

۲.۲.۱.۴. فعالیت‌های آموزشی، خیریه و فرهنگی^۳

این بخش غالباً به‌عنوان عملیات سایه در جهت نفوذ فرهنگی ذیل گفتمان صدور انقلاب^۴ در مواجهه با جریان صهیونیسم و غربی طراحی شده است. مکانیسم‌ها و کانال‌های پنهانی که در جریان تحریم ایران توانست از شدت تحریم‌های همه جانبه بکاهد و همچنین به‌عنوان شبکه‌ای در جهت نیروگیری در مواجهه با جریان عبری-عربی داعش خودنمایی کند.

1 - Infidel

2 - Mutual insurance policy

3 - Educational, Charitable, and Cultural Activities

4 - Exporting the Islamic Revolution

۳.۲.۱.۴. مستشاران و پروکسی‌ها^۱

ایران شبکه‌ای از مستشاران و گروه‌های نیابتی در خاورمیانه و سراسر جهان دارد که نسبت به مواجهه با شبکه صهیونیستی اقدام می‌کنند، نمونه‌های از عوامل گروه‌های اسلام‌گرای سنی فلسطین، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین (IJIP)^۲ در نوار غزه (اگرچه هر دو سنی هستند نه شیعه)، انصارالله یمن شامل نیروهای نظامی قبایل شیعه حوثی، لشکری افغانی‌ها معروف به تیپ فاطمیون، البدر عراق، عصاب اهل الحق، حرکت النجبه، کتائب حزب‌الله، گردان‌های امام علی، لیوا ابوالفضل‌العباس، حزب‌الله لبنان، زینبیون پاکستانی و حرکات الصابرين نصران فلسطین در نوار غزه بخش محوری نیروهای نیابتی ایران در منطقه را در بر می‌گیرد. ستون فقرات حمایت ایران از گروه‌های ذکر شده را می‌توان در درجه اول حمایت‌های مالی و تجهیزاتی به‌ویژه پهبادی و موشکی و در درجه دوم حفظ همبستگی در یک هدف واحد که همان مواجهه با اسرائیل است، در نظر گرفت؛ هدفی که ذیل آن ایران توانسته بین شیعه و سنی وفاق ایجاد کند و با به کارگیری این استراتژی، یک کریدور زمینی که از طریق عراق به سوریه، لبنان و در نهایت به دریای مدیترانه می‌رسد، ایجاد کند و به این ترتیب با انتقال کالا از این کریدور تحریم‌های آمریکا و اروپا را خنثی کند (Melamed, 2016: 104-136).

۴.۲.۱.۴. انگاره مقاومت و ممانعت

انشعاب شیعه و سنی از پس وفات نبی نقش اساسی در شکل‌دهی به ژئوپلیتیک اسلام در خاورمیانه داشته است. این انشعاب در نیروهای ایرانی و عرب را می‌توان در دو شکاف تاریخی جستجو کرد نخست شکاف تمدنی بین تمدن باستانی ایران و تمدن عربی و دیگری دعوای اهل سنت و شیعیان، اما ایران این دعوای تاریخی را چگونه به منبع وفاق حداقل در بخشی از خاورمیانه بدل کرده است؟ در اصل فلسفه المقاومة، آمیزه‌ای از نگرش اهل سنت در مواجهه با مدرنیته است. ایشان بر این باور هستند که بهترین راه برای جوامع اعراب و مسلمانان در مواجهه با جوامع مدرن نفی فرهنگ‌ها و قدرت‌های غربی و ایجاد یک زندگی فرهنگی و سیاسی مبتنی بر سنت شریف است. این ارزش‌ها در کنار مفاهیم مدرنی چون رهایی، استقلال و کشورداری، زمینه شکل‌گیری دولت‌های اسلامی با رویکرد جدیدی به سیاست مدرن در قالب اسلام سیاسی را فراهم کرده که بر آن است که ارزش‌های اسلامی می‌توانند در تلفیق با ارزش‌های مدرن زمینه توسعه و رشد کشورهای اسلامی را همچون کشورهای

1 - Agents & Proxies

2 - Islamic Jihad in Palestine

غربی فراهم آورند، اما چالش اینجاست که کدام نگرش به اسلام و سیاست حقیقی است و کدام نگرش بر دیگری ذیل امت واحد برتری و حق رهبری دارد؟ در پاسخ باید گفت ایران با تکیه یک مسئله واحد یعنی تاسیس دولت اسرائیل در دل جوامع مسلمان، مسئله فلسطین را به عنوان عنصر حیاتی سیاست خارجی خود بدل کرده و به عبارت دقیق تر برندسازی موفق جریان المقاومة در جهان اسلام را رهبری کرده است. هر چند ایران هسته مرکزی نیروی مقاومت را از شیعیان تشکیل داده، اما باید اشاره کرد که با اتکا به این راهبرد توانسته سوریه و حماس را به عنوان محورهای اصلی مقاومت در کنار حزب الله لبنان به عنوان همراه همیشگی ایران متحد نگه دارد (Melamed, 2016: 104-136).

۵.۲.۱.۴. برنامه موشکی بالستیک ایران

بخش محوری از محور فشار و قدرت بازدارندگی ایران را باید زرادخانه موشکی ایران دانست که متنوع ترین و گسترده ترین زرادخانه موشکی در خاورمیانه است. ایران دارای یک زرادخانه وسیع از موشک های دوربرد، راکت ها، پهپادهای تهاجمی، موشک های کروز و بالستیک است که نسبت به اهمیت و شدت درگیری گزینه های متنوعی را در اختیار ایران می گذارد. نزدیکی ایران به مرزهای اسرائیل از طریق لبنان، سوریه و نوار غزه در داخل خاک اسرائیل سبب شده که اسرائیل بیش از آنکه بر توسعه برنامه موشکی خود متمرکز شود، به ناچار بر توسعه پدافند هوایی برای رهگیری موشک و پهپادهای ساخت ایران تمرکز کند و سیستم ۵ لایه ای را شامل فلش ۲، فلش ۳، فلاخن داوود، گنبد آهنین و پرتو آهنین (سامانه پیکان) را برای مواجهه با برنامه موشکی و پهپادی تهران در اطراف مرزهای خود در نظر بگیرد (Melamed, 2022: 48-87). بنابراین این توانایی تهران، موضع تهاجمی تل آویو را به ناچار به موضع تدافعی تغییر داده است.

۶.۲.۱.۴. برنامه هسته ای

ضلع سوم از راهبرد توسعه ایران و مواجهه با گفتمان غرب برنامه هسته ای ایران است که ایران با اتکا به آن قدرت چانه زنی خود را افزایش می دهد. برنامه هسته ای ایران از سال ۲۰۰۶ به این سو در لیست تحریم های اتحادیه اروپا، آمریکا و شورای امنیت قرار گرفت؛ تا پیش از آن در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳، ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی توافقنامه الحاقی را امضا کردند که بر مبنای آن ایران باید اجازه دسترسی کامل به تاسیسات هسته ای خود را به ماموران آژانس می داد. هدف آژانس و کشورهای غربی تعلیق کامل برنامه هسته ای ایران بود، در نوامبر ۲۰۰۴، با پذیرش مذاکره از سوی ایران تحت تاثیر تحریم

اتحادیه اروپا از توسعه برنامه‌ای هسته‌ای ایران کاسته شد اما با روی کار آمدن آقای محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان مشوق پر حرارت برنامه هسته‌ای ایران و همچنین منتقد شدید صهیونیسم و هلوکاست، هر چند برنامه هسته‌ای ایران توسعه یافت اما به‌عنوان ابزاری برای تحریم بی‌شمار غرب علیه ایران و همچنین تکیه‌گاهی برای اسرائیل برای متقاعد کردن جهان در جهت امنیتی نشان دادن برنامه هسته‌ای ایران تبدیل شد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۸-۷۲). در واقع اسرائیل برنامه هسته‌ای و حضور منطقه‌ای ایران را از تاریخ ذکر شده به‌عنوان پوششی برای توجیه عملیات نظامی خود در نظر گرفت. سخنان احمدی‌نژاد علیه اسرائیل و هلوکاست این فرصت را به اسرائیل داد که مسئله فلسطین را با مسئله برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان معضل جهانی جایگزین کند (Ram, 2009: 173-186) و ضمن تهدید مکرر ایران با لابی‌گری در سیاست خارجی آمریکا زمینه تحریم‌های فراوان و افزایش تنش‌های منطقه‌ای علیه ایران را فراهم آورد (Mearsheimer & Walt, 2007: 22-56). در این راستا تصویب قانون سیسادا^۱ قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محرومیت ایران را می‌توان اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین قانون تحریمی ایران در حوزه مربوط به مسائل هسته‌ای عنوان کرد. قانون سیسادا به نوعی تکامل یافته نسخه اجرایی قانون IRPSA مصوب سال ۲۰۰۹ در کنگره آمریکا و قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت می‌باشد که در خرداد ماه ۱۳۸۹ تصویب شده است. این قانون زمینه ممنوعیت فروش بنزین علیه ایران را فراهم آورد؛ به پیشنهاد دو سناتور آمریکایی هاوارد برمن^۲ و کریس دود^۳ در ۲۴ ژوئن سال ۲۰۱۰ بدون حتی یک رأی مخالف در سنای آمریکا به تصویب رسید و در اول جولای همان سال با امضای باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا رسمیت قانونی پیدا کرد (Nephew, 2017: 56-74). بنابراین تحریم را می‌توان ابزاری دانست که آمریکا در حمایت از متحد محوری خود در خاورمیانه اسرائیل علیه سایر کشورها به کار می‌برد، چنان‌که پیش از ایران این راهبرد در قبال عراق در زمان صدام (Ritter, 2006: 10-26) و از سال ۲۰۱۱ به این سو، این راهبرد را علیه سوریه به دلیل حمایت از محور مقاومت به کار برده است (McKenzie, 2024: 304-312).

1 - CISSADA
2 - Howard Berman
3 - Chris Dodd

۲.۴. ستون دوم دیپلماسی مخفی: حمله سایبری و ترور شخصیت

این بخش از استراتژی پنج ستون، گسترش دکترین مداخله الهی از صرف حمله‌های هوایی به کمپین‌های ترور و جنگ سایبری را مد نظر دارد. این تغییرات که شامل عملیات ترور، رقابت هکرها و فرایندهایی چون شنود، جاسوسی، خرابکاری، اخلال، حمله، دستکاری، مداخله، افشاگری و سرقت اطلاعاتی می‌شود به‌عنوان آلترناتیو و دو ستون برنامه دفاعی اسرائیل در مواجهه با نفوذ منطقه‌ای ایران و برنامه موشکی نیروهای مقاومت در نظر گرفته شده است (Buchanan, 2020: 130-143). در این راستا، اسرائیل از سال ۲۰۰۰ به این سو با شکل‌دهی اتاق عملیات مشترک موساد، ترور شخصیت‌ها و اشخاص مخالف دولت اسرائیل با محوریت نیروهای مقاومت را در خاک سرزمین‌های اشغالی و سراسر جهان مد نظر قرار داد (Bergman, 2018: 638-645) و در دو فاز عملیاتی نسبت به مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران و محور مقاومت اقدام کرده است. در فاز اول ابتدا از سال ۲۰۱۱-۲۰۱۶ با جایگزینی تامیر پارود^۱، کماندوی زبده سوئدی-اسرائیلی به جای مئیر داگان، طراحی کمپین‌های حمله سایبری و ترور دانشمندان هسته‌ای بخش محوری برنامه‌های موساد را در مواجهه با ایران شکل می‌داد، سپس در بازه ۲۰۱۶-۲۰۲۰ با روی کارآمدن یوسی کوهن^۲ توسعه عملیات نفوذ و سرقت اطلاعات نظامی و هسته‌ای ایران محوریت عملیات موساد قرار گرفت و در فاز دوم عملیات ترور و حمله سایبری موساد از سال ۲۰۲۰ با جایگزینی دیوید بارنیا^۳ به جای یوسی کوهن، کمپین ترور فرماندهان ایرانی سپاه در عراق و سوریه به برنامه‌های پیشین موساد اضافه شد و زمینه یک جنگ تمام عیار علیه محور مقاومت فراهم شد (Jeremy Bob & Evyatar, 2023: 76-84). در این راستا در یک بررسی اجمالی در یک بازه ده ساله می‌توان عملیات‌های موساد را به شرح زیر در نظر گرفت:

حمله سایبری به تاسیسات نطنز در سال ۲۰۱۰، ژوئن ۲۰۲۰ و ۱۱ آوریل ۲۰۲۱، ترور دانشمندان هسته‌ای از جمله محسن فخری‌زاده، اردشیر حسین‌پور، مسعود علی محمدی، پرفسور مجید شهریاری (Mishal & Bar-Zohar, 2012: 123-155) همکاری اطلاعاتی با آمریکا در ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس در سوم ژانویه ۲۰۲۰ توسط پهپاد آمریکایی Reaper تنها بخشی از عملیات‌های ترور و تخریب موساد را در بر می‌گیرد که ذیل این دو فاز عملیاتی پیگیری شده است (McKenzie,

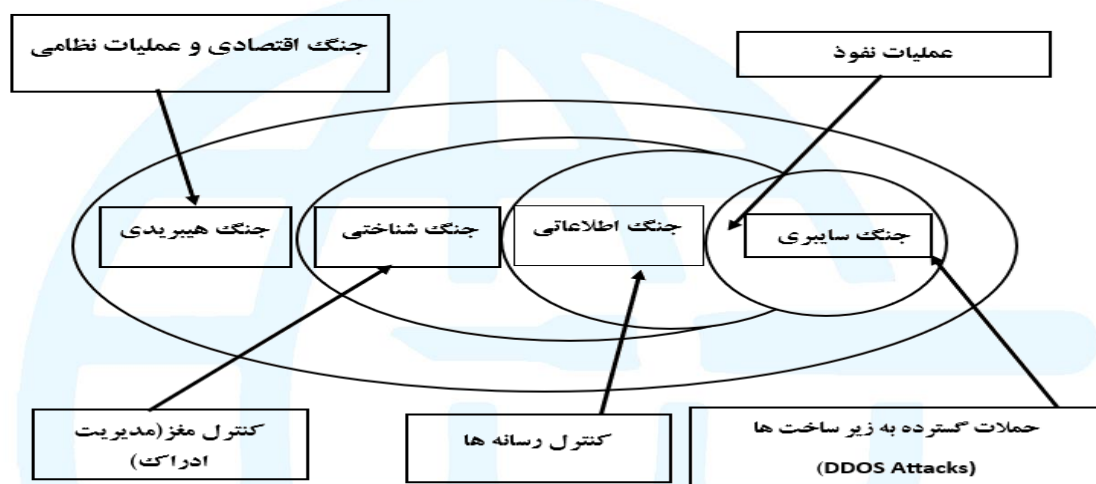
1 - Tamir Pardo

2 - Yossi Cohen

3 - David Barnea

80-92: 2024). بنابراین می‌توان گفت طی دو دهه توسعه برنامه عملیاتی پنج ستون اسرائیل در مواجهه با ایران از جنگ شناختی و سایبری به جنگ هیبریدی (اقتصادی و نظامی) گذر کرده و در پی آن است که ابعاد این برنامه را گسترده‌تر کند. این ابعاد از حملات سایبری تا عملیات نفوذ برای تاثیرگذاری در تصمیم‌گیری کلان، ایجاد جنگ روانی با کژنمایی یا بزرگنمایی شرایط سیاسی و اقتصادی در رسانه‌ها و در نهایت مدیریت ادراک و مشروعیت‌بخشی به تحریم‌های اقتصادی و عملیات نظامی را در بر می‌گیرد (شکل شماره ۳).

شکل ۳. گسترش جنگ از جنگ شناختی به هیبریدی



(Hung & Hung, 2020: 3)

۳.۴. ستون سوم: تحریم فناوری و برنامه موشکی ایران

تحریم برنامه نظامی ایران در ذیل چهار قطعنامه ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ انجام شده که پس از ۲۰ جولای ۲۰۱۵ در پیوست قطعنامه ۲۲۳۱ اعمال شده با این تفاوت که فروش تسلیحات نظامی با نظر شورای امنیت بلامانع است. نکته محوری در مورد قطعنامه ۱۷۴۷ آن است که در بند ششم ایران از صدور تسلیحات منع می‌شود اما در بند ششم قطعنامه عملاً عدم فروش تانک، بالگردهای تهاجمی، ناو و خودروهای زرهی به صورت توصیه‌ای و نه الزام‌آور به کشورهای دیگر توصیه شده است. بحث محوری در این حوزه بیشتر منوط به موشک‌های بالستیک و سیستم پرتاب‌های هسته‌ای است که بند پنجم قطعنامه ۱۶۹۶ مورخ ۳۱ جولای را شامل می‌شود، اما در قطعنامه ۲۲۳۱ یک فرصت تاریخی در اختیار ایران قرار گرفته که طبق آن ممنوعیت در حوزه صادرات و خرید تجهیزات سنگین به محدودیت پیرامون موشک‌های بالستیک تقلیل یافته است. در قطعنامه ۲۲۳۱ ممنوعیت شدید هر گونه برنامه

موشکی ایران از اقدام اجباری، قابل پیگرد و حتی قابل پیشگیری قهرآمیز ذیل فصل هفت در قطعنامه ۱۹۲۹ خارج شده و به محدودیت غیر الزام‌آور تبدیل شده و کلیه ساز و کارهای نظارتی و عواقب نقض حذف شده است و انتقال سامانه‌های S300 روسیه به ایران نیز پس از لغو این ممنوعیت‌ها به محدودیت‌ها امکان‌پذیر شد (عابدینی، ۱۳۹۵: ۱۲۳-۱۲۷). این در حالی است که سنا و کنگره آمریکا در جهت مواجهه با ایران و حمایت از اسرائیل در ذیل پیمان ابراهیم در ژوئن ۲۰۲۲، یک لایحه دو فوریتی با عنوان قانون DEFEND تصویب کردند که طبق آن فروش انواع سامانه‌های دفاعی و تهاجمی و هواپیماهای استراتژیک F-35 به کشورهای منطقه در ذیل پتانسیل کامل پیمان ابراهیم^۱ تسهیل شد، بنابراین اسرائیل و آمریکا با اتکا به این استراتژی و تکیه بر راهبرد ایران هراسی، منطقه را در ذیل رقابت تسلیحاتی مدیریت می‌کنند (Jevrhfjremy Bob & Evyatar, 2023: 237-248).

۴.۴. ستون چهارم تحریم اقتصادی: تحریم عامل نابسامانی اقتصادی

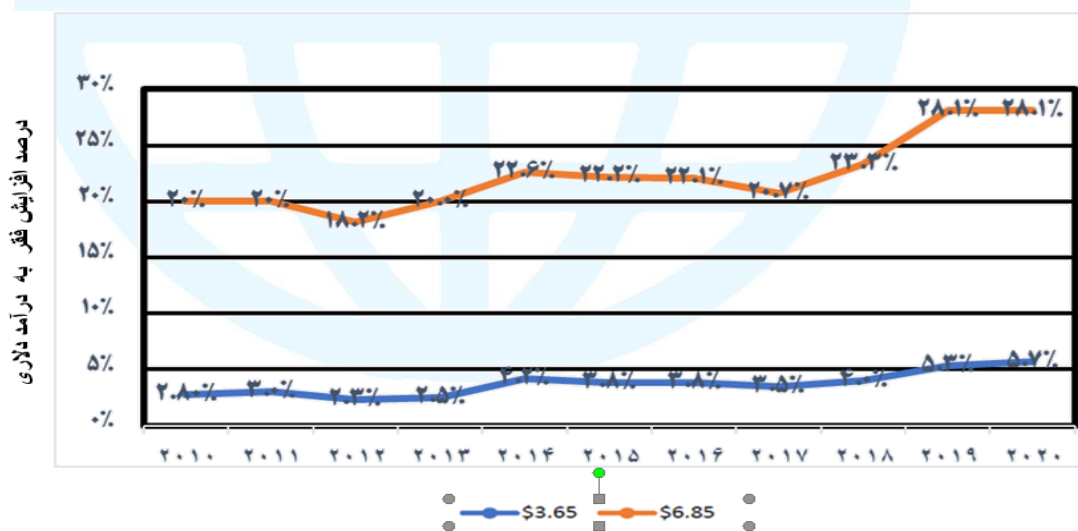
بخش محوری استراتژی پنج ستون در مواجهه با حضور منطقه‌ای ایران، توسعه تحریم اقتصادی است تا از طریق افزایش فشار بر مردم و ایجاد فجایی چون کمبود مواد غذایی، بحران دارو و شکست نظام سلامت در مقابله با بیماری‌ها، مهاجرت نخبگان، نابودی زیرساخت‌ها، عادی‌سازی فقر میان غیر نظامیان از طریق سیاست نامرئی تحریم، ایران را وادار به عقب‌نشینی از سیاست‌های منطقه‌ای خود کند. فرایندی که با در پیش گرفتن سیاست فشار حداکثری توسط دولت ترامپ از سال ۲۰۱۸ به این سو نه تنها رویکرد ایران به منطقه و مواضع آمریکا را تهاجمی کرده بلکه ایران و روسیه را در عرصه نظامی-سیاسی به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است. چنان‌که حمله به بندر فجیره در خلیج عمان، حمله پهپادی به تاسیسات نفتی اَبقیق، خریس و تاسیسات آرامکو در شرق عربستان و سپس کمک تسلیحاتی ایران به روسیه در جنگ اوکراین نشان از تهاجمی‌تر شدن رویکرد ایران به مواضع آمریکا و متحدانش دارد و روسیه و چین را نیز مجاب کرده تا با در پیش گرفتن سیاست خود اتکایی^۲، الگوی اقتصاد آزاد جهانی را در ذیل سیاست‌های لیبرالیسم به چالش کشیده و با استفاده بیشتر از ارزهای دیجیتال در مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری در حمل و نقل ریلی، خود را به شبکه‌هایی از اوراسیا متصل کنند و تجارت مستقیم و از راه دریا با ایالات متحده و اروپا را دور بزنند (Nasr et al, 2024: 25-79). بنابراین تحریم خود به یک چالش محوری برای آمریکا بدل شده که نتیجه نهایی آن شکل‌گیری جنگ ارزی و کریدوری

1 - the full potential of the Abraham Accords

2 - promoting self-reliance

اروپا و آمریکا با چین و روسیه و نابودی رفاه و توسعه اقتصادی در ایران است. روندی که در گزارش سال ۲۰۲۳ بانک جهانی درباره اوضاع کسب و کار، تورم و جغرافیای کار در ایران با عنوان جغرافیای فقر در ایران^۱ مشهود است. طبق این گزارش با شکل‌گیری روند تحریم‌ها از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ سهم ایرانی‌هایی که زیر خط فقر بین‌المللی زندگی می‌کنند از ۲۰ درصد به ۲۸.۱ درصد افزایش یافته است (معادل ۶۸۵ دلار در روز در شرایط برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۷). پویایی فقر نیز در طول این دوره را می‌توان با تمایز سه مرحله کاملاً متمایز تحلیل کرد (شکل شماره ۴). یک دوره اولیه افزایش متوسط در فقر (۲۰۱۱-۲۰۱۴)، یک مرحله کاهش خفیف فقر (۲۰۱۷-۲۰۱۴) و یک دوره افزایش مستمر فقر (۲۰۲۰-۲۰۱۷). این دوره‌ها به طور کلی با چرخه تحریم‌های اعمال شده، کاهش و تحمیل مجدد تحریم‌ها همسو هستند. بر اساس این پژوهش، ایران در کنترل فقر در سطح بین‌المللی، یکی از بدترین عملکردها را در بین هم‌تایان خود داراست، این در حالی است که ایران در سال ۲۰۱۱ هشتمین کشور کم‌فقر در میان ۲۵ کشور با درآمد متوسط بالا بود (UMIC)^۲ اما در عصر تحریم تا سال ۲۰۲۰ به رتبه هفدهم سقوط کرده است. بنابراین تحریم را می‌توان اثرگذارترین وجه برنامه پنج ستون در نظر گرفت که هم دولت ایران و هم مردم را با چالش‌های بنیادین مواجه کرده است.

شکل ۴. سرانه درآمد در ایران در مقیاس بین‌المللی در بازه ۲۰۱۰-۲۰۲۰



(Iran Poverty Diagnostic, 2023: 15)

1 - Iran Poverty Diagnostic

2 - Upper middle-income countries

۵.۴. ستون پنجم براندازی نظام سیاسی: داعش در اطراف مرزها و چالش قومیتی در داخل

کشور

برنامه محوری داگان برای مواجهه با محور مقاومت شکل‌دهی به جنگ مذهبی و تجزیه یا تقسیم کشورهای محور مقاومت به سه بخش شیعه، کرد و سنی بود. اتفاقی که با شکل‌دهی به داعش پس از مدت کوتاهی پس از بهار عربی در سال ۲۰۱۰ از مارس ۲۰۱۱، خاورمیانه را درگیر یکی از مهم‌ترین جنگ‌های قرن بیست و یکم یعنی جنگ سوریه کرد. سرمایه‌گذاری آمریکا و اسرائیل بر تنش‌های قومیتی و مذهبی در خاورمیانه تلاشی بود برای قطع بازوی محور مقاومت یعنی سوریه که به عمق استراتژیک ایران^۱ در مواجهه با محور عبری-غربی مبدل شده بود؛ چالشی که با تلاش و سرمایه‌گذاری سپاه قدس و محور مقاومت با شکست کامل مواجه شد اما مناطق گسترده‌ای از عراق و سوریه را از ذیل حاکمیت یکپارچه خارج ساخت و به مناطق شیعه، سنی و کرد تقسیم کرد (Sadeghi, 2017: 160-181). روندی که اسرائیل در پی آن است، این است که در اطراف مرزهای شمالی ایران، با ایجاد تنش قومیتی با محوریت جمهوری آذربایجان و با ایجاد اختلاف بین ایران و همسایه شمالی و حذف کریدور انتقال کالا به اروپا، ایران را با انزوای ژئوپلیتیکی مواجه سازد (اختیاری امیری، ۱۴۰۰: ۴۱-۴۳).

۵. پیمان ابراهیم و کریدور مدیترانه غربی^۲ هدف نهایی استراتژی پنج ستون

شکل‌گیری پیمان ابراهیم با ابعاد مختلف تجارت، نوآوری، حمل و نقل، انرژی‌های پاک و کشاورزی و محیط زیست در سپتامبر ۲۰۲۰ که در رسانه‌ها از آن به‌عنوان توافق قرن یاد می‌کردند، در واقع برنامه شکل‌دهی به خاورمیانه جدید است. آنچه محور این همگرایی‌هاست حذف جریان مقاومت و فلسطین و در نهایت قطع بازوهای امنیتی ایران در منطقه در ذیل استراتژی پنج ستون است، در این راستا عادی‌سازی روابط کشورهایمانند امارات، بحرین، عربستان و عمان با رژیم صهیونیستی از سال‌ها و دهه‌های قبل در قالب دیپلماسی پنهان آغاز شده بود اما این روند طی سال‌های اخیر از حالت مخفیانه و محرمانه خارج شده و جنبه آشکار به خود گرفته است (احمدی، ۱۴۰۲: ۱۹۷-۲۰۶). دیدار نتانیا‌هو از عمان و ملک قابوس در اکتبر ۲۰۱۸ و امضای قرارداد صلح رژیم صهیونیستی با امارات عربی و بحرین در واشینگتن در ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ با عنوان صلح ابراهیم در همین رابطه شکل گرفته است (Mason, 2021: 225-228). هدف این استراتژی آن است که در ذیل توازن تهدید محاصره هر بیشتر

1 - Strategic depth (omq-e rahbordi)

2 - Arab-Mediterranean Corridor

ایران و محور مقاومت را در خلیج فارس و سوریه دنبال کند (غفاری و جندقی، ۱۴۰۱: ۹۱-۹۳)؛ روندی که با توسعه پیمان ابراهیم به کشورهایی چون عربستان و سودان، چنان‌که اتفاق افتاده نه تنها ایران را در جبهه‌های مختلف درگیر می‌کند، بلکه بازار آفریقا و کشورهای عربی خلیج فارس را از ایران سلب می‌کند و سیطره امنیتی اسرائیل در منطقه را افزایش می‌دهد (قادری حاجت، ۱۳۹۹: ۳۶-۳۸). این استراتژی با محوریت یافتن کریدور غربی مدیترانه با محوریت سه هاب شرقی امارات در شبه جزیره عربستان، هاب مرکزی اسرائیل در حوزه شرقی مدیترانه و هاب غربی با محوریت یونان و اتحادیه اروپا، چالش اقتصادی را پیش روی ایران قرار داده که یک سوی آن رقابت کریدوری هند و چین در منطقه و سوی دیگر مواجهه با اسرائیل و کشورهای پیمان ابراهیم است (لطفی و صفوی، ۱۴۰۱: ۷۳-۷۸). این مواجهه از آنجایی اهمیت می‌یابد که اولویت اول هند به قطب اقتصادی منطقه همکاری با کریدور غربی مدیترانه و سپس کریدور شمال به جنوب است (شکل ۵ و ۶)؛ چنان‌که در طول اجلاس سران گروه ۱۲۰ در سال ۲۰۲۳ در دهلی نو، کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC)^۲ به عنوان کریدور اصلی اقتصادی جهان در نظر گرفته شد و در ذیل یک طرح جهانی (PGII)^۳ با همکاری هند، ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اتحادیه اروپا^۴، ایتالیا، فرانسه، آلمان و اسرائیل تکمیل این کریدور در برنامه توسعه گروه بیست قرار گرفت. ارزش تقریبی پروژه مذکور حدود ۴۷ تریلیون دلار برابر تقریباً نیمی از تولید ناخالص داخلی جهان و با بازار مصرفی ۲.۲۵ میلیارد نفری است، که همین امر ایران در حال تحریم را با چالش موازنه اقتصادی مواجه می‌سازد (Bhatt & Roychoudhury, 2023: 3-7) (شکل ۷). هر چند هند، راه‌آهن شمال-جنوب (INSTC)^۵ از منظر لجستیکی مهم‌تر از کریدور غربی مدیترانه ارزیابی می‌کند اما می‌توان با بررسی اسناد کریدور مذکور به خوبی دریافت که خط کریدور غربی مدیترانه ارزش اقتصادی بیشتری نسبت به کریدور جاده ابریشم و کریدور شمال به جنوب دارد، چرا که نه تنها حمل و نقل کالا بلکه خط انتقال هیدروژن با مأموریت توسعه انرژی پاک با محوریت هند، امارات و عربستان را مد نظر قرار داده است. با در نظر گرفتن این موضوع با وجود محوریت ایران و محور مقاومت در هر دو حوزه کریدور آبی و ریلی جاده ابریشم^۶

1 - (G20)

2 - India-Middle East-Europe Economic Corridor

3 - The Partnership for Global Infrastructure and Investment

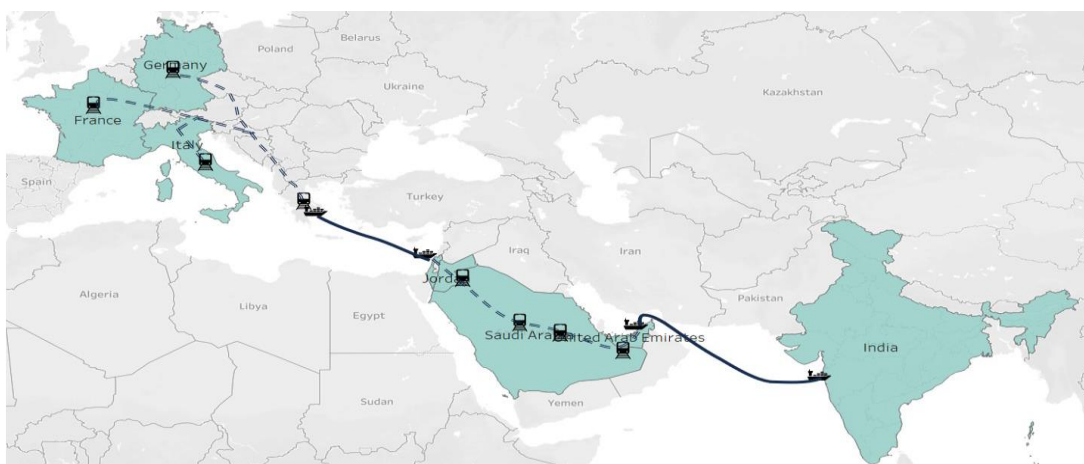
4 - European Union

5 - The International North-South Transport Corridor

6 - China's Belt and Road Initiative (CBRI)

(شکل ۸) (Blanchard et al, 2021: 165-181). عملیاتی شدن کریدورهای مذکور در جهت ایجاد موازنه قوا در رقابت کریدوری نیازمند برداشته شدن تحریم‌ها و همچنین در پیش گرفتن سیاست موازنه قوا توسط ایران در مواجهه با دو قدرت جدید خاورمیانه، چین و هند است تا در جنگ کریدورها در منطقه خاورمیانه موقعیت ژئواستراتژیک ایران و محور مقاومت حفظ شود.

شکل ۵. نقشه کریدور اقتصادی IMEC



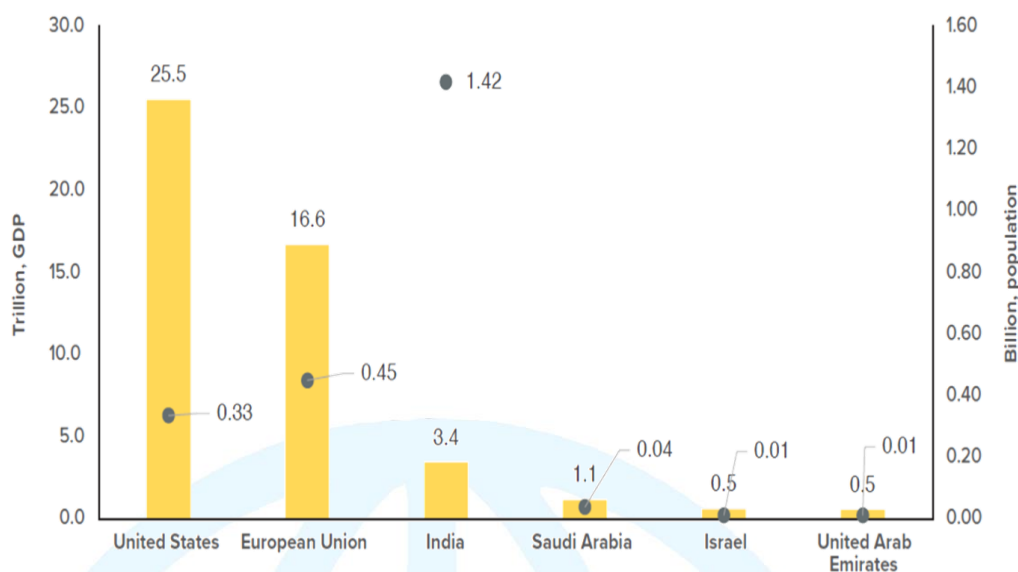
(Bhatt & Roychoudhury, 2023: 3-7)

شکل ۶. نقشه کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC)



(Ibid)

شکل ۷. میزان جمعیت و تولید ناخالص داخلی GDP کشورهای IMEC



(Bhatt & Roychoudhury, 2023: 3-7)

شکل ۸. نقشه کریدور آبی-ریلی جاده ابریشم CBRI



(Melamed, 2022: 626)

بحث و نتیجه

پژوهش حاضر پیرامون این مسئله محوری شکل گرفت که اسرائیل چگونه با محور قرار دادن پروژه ایران هراسی و جایگزینی این موضوع با مسئله فلسطین، توانست استراتژی محوری خود موسوم به پنج ستون را عملیانی کند؟ و استراتژی مذکور در طول نزدیک دو دهه از عملیاتی شدن در خاورمیانه چه تحولاتی ایجاد کرده است؟ پاسخ این پژوهش به این پرسش‌ها در دو بخش انجام شد. در بخش اول به توضیح علل شکل‌گیری استراتژی دفاعی پنج ستون پرداخته شد که ذیل شکست اسرائیل در مواجهه با محور مقاومت، توسعه منازعات اسرائیل و محور مقاومت از خاک کشورهای عربی به

درون سرزمین‌های اشغالی توسط حماس و جهاد اسلامی و توسعه برنامه هسته‌ای ایران که توانایی بالقوه دستیابی به سلاح اتمی توسط ایران را تسهیل می‌کرد، به‌عنوان عوامل کلیدی ناتوانی اسرائیل در مواجهه با ایران و شکل‌گیری یک استراتژی جدید در نظر گرفتیم.

در بخش دوم با اشاره به ابعاد مختلف این برنامه که شامل ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، دیپلماسی مخفی و تحریم فناوری بود، نشان دادیم که اسرائیل با تکیه بر ایران هراسی و تمرکز بر اختلافات تاریخی ایران و عربستان و سایر کشور عربی بر سر رهبری جهان اسلام و اختلاف تمدن پارسی و عربی با شکل‌دهی به جنگ شناختی علیه ایران، فعالیت‌های سیاسی-امنیتی محور مقاومت در منطقه را در رسانه‌های جمعی با عنوان تروریست بازنمایی می‌کند و بدون اشاره به مواجهه محور مقاومت با جریان داعش، ایران را به‌عنوان معضل منطقه‌ای در افکار عمومی جهان جانمایی می‌کند و با استفاده از همین تصویر به عملیات‌های ترور، جنگ سایبری خود و همچنین حمایت از تحریم‌های گسترده اقتصادی که منجر به توسعه فقر چند بعدی در ایران شده، مشروعیت می‌بخشد؛ در مقابل ایران با تکیه بر توان موشکی و عملیاتی بومی خود و همچنین قدرت چانه‌زنی هسته‌ای و تکیه بر مفهوم مقاومت و آزادی فلسطین در منطقه، بخش مهمی از جهان اسلام را در ذیل محور مقاومت همبسته کرده و در تلاش است تا نسبت به خنثی‌سازی ابعاد مختلف برنامه‌های اسرائیل اقدام کند تا به یک توازن منطقه‌ای دست یابد. آنچه در عصر حاضر باعث ضعف محور مقاومت و ایران شده، چالش اقتصادی در درجه اول و ائتلاف منطقه‌ای شکل گرفته ذیل پیمان ابراهیم در مرحله بعدی است که باید در مواجهه با این معضلات نسبت به بازتعریف استراتژی ایران در مواجهه با پیمان ابراهیم و استراتژی پنج ستون با محور قرار دادن بخش اقتصادی اقدام شود. در این راستا پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

(۱) جانمایی اقتصادی ایران در منطقه از طریق تکمیل کریدورهای راه ابریشم و کریدور شمال به جنوب.

(۲) سرمایه‌گذاری بر فناوری‌های نو چون هوش مصنوعی در جهت ایجاد بازوی اقتصادی قابل اتکا در کنار صنایع نفت و پتروشیمی.

(۳) در پیش گرفتن سیاست همسایگی در منطقه و تنش‌زدایی با غرب.

(۴) در پیش گرفتن سیاست موازنه مثبت در همکاری با قدرت نوظهور خاورمیانه، چین و هند در جهت سرمایه‌گذاری طولانی مدت در ایران.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- باردن، لورنس (۱۳۷۴). تحلیل محتوا، ترجمه: ملیحه آشتیانی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲- احمدی، وحیده (۱۴۰۲). نقش دیپلماسی پنهان اسرائیل در مناسبات منطقه‌ای: مطالعات موردی توافق ابراهیم. فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه، ۳۰(۲)، ۱۹۷-۲۰۶.
- ۳- اختیاری امیری، رضا (۱۴۰۰). دیپلماسی صلح عبری-عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه، ۲۸(۴)، ۴۱-۴۳.
- ۴- الهی، الهیار (۱۳۹۴). سینمای سیاسی هالیوود و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران پس از ۱۱ سپتامبر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی، استاد راهنما: عباس سلطانلو.
- ۵- خسروی، سمیرا؛ ذاکریان، مهدی؛ برزگر، کیهان، و کاظمی زند، علی اصغر (۱۳۹۸). تأثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه‌ای جدید اسرائیل. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۶(۴)، ۶۸-۸۶.
- ۶- سولمون، نورمن، و ارلیک، ریس (۱۳۹۴). حمله به عراق: آنچه رسانه‌ها به شما نگفتند، ترجمه: محمدرضا نوروزپور، تهران: انتشارات نیستان، چاپ اول.
- ۷- صادقی، سید شمس‌الدین، و رحیمی، احمد (۱۳۹۶). پروژه ایران هراسی و منافع مالی مجتمع‌های نظامی-صنعتی غرب در منطقه خلیج فارس. فصلنامه روابط خارجی، ۱۰(۱)، ۶۱-۶۷.
- ۸- عابدینی، عبدالله (۱۳۹۵). مقایسه تحریم تسلیحاتی علیه ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ و قطعنامه‌های پیش از آن. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۹(۷۲)، ۱۰۷-۱۳۰.
- ۹- غفاری، زاهد، و جندقی، حسین (۱۴۰۱). پیامدهای عادی‌سازی روابط اسرائیل و بحرین بر جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه، ۲۹(۱)، ۸۷-۱۰۴.
- ۱۰- فرخی، رضا (۱۳۹۲). روند ایران هراسی در محصولات تصویری رسانه‌های غربی بین سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، دانشکده علوم اجتماعی، استاد راهنما: دکتر یحیی فوزی.
- ۱۱- قادری حجت، مصطفی؛ جودی، حسین، و حیدریان، سجاد (۱۳۹۹). تبیین ژئوپلیتیکی بازساخت ریملند در چارچوب صلح ابراهیم. فصلنامه آمایش سیاسی فضا، ۳(۱)، ۲۹-۴۱.
- ۱۲- گلشاهی، محمد مهدی (۱۴۰۳). طرح پژوهشی: آسیب‌شناسی ساز و کارهای اقناع افکار عمومی خارجی در مورد بازنمایی از ایران و مواجهه با پروژه ایران هراسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهشکده فرهنگ پژوهی.
- ۱۳- لطفی، میلاد، و صفوی، سید حمزه (۱۴۰۱). پیامدهای تکمیل راه گذر عرب مدیترانه و چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۴(۱۱)، ۶۴-۹۲.

- ۱۴- مقدم‌فر، حمیدرضا، و محسنی آهویی، ابراهیم (۱۴۰۰). جنگ شناختی: علم پیروزی در نبرد ذهن، تهران: انتشارات خبرگزاری تسنیم، چاپ سوم.
- ۱۵- رهبر، عباسعلی، و گلشاهی، محمد مهدی (۱۴۰۱). رویکرد شناختی در بهینه‌سازی دیپلماسی رسانه‌ای. *دوفصلنامه علمی دانش سیاسی*، ۳۶(۲)، ۴۲۷-۴۵۴.
- ۱۶- گلشاهی، محمد مهدی؛ عباسعلی، رهبر، و نیک‌سیرت‌فر، مژگان (۱۳۹۹). تحلیل مؤلفه‌های هوش سیاسی در مدیریت منازعات سیاسی. *دوفصلنامه دانش سیاسی*، ۱۶(۲)، ۵۹۹-۶۲۰.

منابع غیر فارسی:

- 1- Iranian Poverty Diagnostic(2023). World bank group, Report No:185679.
- 2- Acram, Susan(2002). The aftermath of September 11, 2001: The targeting of Arabs and Muslim in America, Publisher: Pluto Journals.Vol. 24, No. 2/3, 61-118.
- 3- Bergman, Ronen(2018). Rise and Kill First: The Secret History of Israel's Targeted Assassinations, Publisher: Random House.
- 4- Bhatt, Yagyavalk, Roychoudhury, Jitendra(2023). India-Middle-East-Europ Economic Corridor (IMEC), Publisher: King Abdullah Petroleum Studies and Research Center.
- 5- Blanchard, Jean-Marc(2021). China's Maritime Silk, Road Initiative, Africa, and the Middle East Feats, Freezes, and Failures, Publisher: Palgrave Macmillan.
- 6- Buchanan, Ben(2020). The Hacker State Cyber Attack and New Normal of Geopolitica, Publisher: Harvard University Press.
- 7- Callamari, P & Reveron, D(2003). China Use of Perception Management, International Journal of intelligence and Counter Intelligence, 16(10), 115-186.
- 8- Elo, Satu & Kyngas, Helvi(2007). The Qualitative Content Analysis Process. Journal of an Advanced Nursing, Publisher: Wiley online library.
- 9- Hung, Tzu-Chieh, Hung, Tzu-Wei(2020). How China's Cognitive Warfare Works: A Frontline Perspective of Taiwan's Anti-Disinformation Wars", Journal of Global Security Studies, 7(4), 1-18.
- 10- jeremy Bob, Yonah, Evyatar, ILAN(2023). Target Tehran: How Israel Is Using Sabotage, Cyberwarfare, Assassination and Secret Diplomacy to Stop a Nuclear Iran and Create a New Middle East, Publisher: Simon & Schuster.
- 11- Mason, Robert(2021). New Perspectives on Middle East Politics Economy, Society, and International Relations, Publisher: The American University in New York.
- 12- McKenzie, Kenneth(2024). The Melting Point High Command and War in the 21 Century, Publisher: Naval Institute Press Annapolis.
- 13- Melamed, Avi, Aharish, Lucy(2016). Inside the Middle East Making Sense of the Most Dangerous and Complicated Region on Earth, Publisher: by Skyhorse.
- 14- Melamed, Avi(2022). Inside the Middle East Entering a New Era. Publisher: by Skyhorse.
- 15- Mishal, Nissim, Bar_Zohar, Micheal(2012). Mossad (The Greatest Missions of The Israeli Secret Service), Publisher: An Imprint of Harper Collins.
- 16- Patton, Michael Quinn(1990). Qualitative Research and Evaluation Methods. London, Publisher: sage group.
- 17- Sadeghi-Boroujerdi, Eskandar(2017). Sectarianization Mapping the New Politics of the Middle East, Editors: Nader Hashemi, Publish: Oxford University Press.
- 18- Toffler, Alvin, Toffler, Heidi(1994). War and Anti-War: Survival at the Dawn of the 21st Century, London: Warner Books, 194-210.

- 19- Waterman, Alex(2017). Perception Management in Asymmetric Warfare: Lessons for Democratic Practitioners from Ukraine (2014–16) and Gaza (2014), Journal of Defense Studies, 11(1), 81-110.

منابع اینترنتی:

- 1- <https://www.theguardian.com/world/us-embassy-cables-documents/120696> (access date: 2007/08/31)

